

A Comparative interpretive Reading of the Realm of Scientific Comprehensiveness of the Holy Quran from the Perspective of Ayatollah Javadi Ameli and Ayatollah Ma'refat

(Received: 2022/04/29- Accepted: 2023/02/22)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.6.5>

Seyyed Hossein Shafi'i Darabi¹, Khadija Hosseinzadeh²,
Maryam sadat Mousavi³

Abstract

Scientific comprehensiveness is an essential principle in Quran interpretation. Each of the Shiite commentators tends to adopt a particular interpretation by citing evidence in each area of comprehensiveness. It has raised questions regarding the positions of Ayatollah Javadi and Ayatollah Ma'refat on the scientific comprehensiveness of the Quran. This is based on their detailed and serious contributions to this discussion. The present paper explores this issue through a comparative analysis of the transmission and processing of information. Based on the research findings, both contemporary Qur'anic personalities accepted the scientific comprehensiveness of the Qur'an and provided comments on it. Ayatollah Javadi believes that the Qur'an's inherent scientific comprehensiveness results from the fact that all sciences are effective in achieving happiness both in this world and the afterlife, while the Qur'an was revealed for human happiness; Therefore, the maximum comprehensiveness of the Qur'an is acceptable under the following two conditions; Firstly, Qur'an guidelines should include the appearance, interior, reduction, and interpretation of the book; Secondly, these guidelines must be provided by the infallible. No one should expect the Quran to cover all sciences equally, or that we can derive details about all sciences from it. Although his principle is provable, some weaknesses exist. However, Ayatollah Ma'refat acknowledges the scientific comprehensive nature of the Qur'an through certain branches of science. By criticizing opposing views on comprehensiveness and religious belief, he tries to prove his theory and argues that the Qur'an cannot be used to extract all sciences; rather, it is a scientific reference whose reliability is unquestionable because of its comprehensiveness.

Keywords: Scientific comprehensiveness of verses: The realm of comprehensiveness of the Qur'an, maximum comprehensiveness, minimal comprehensiveness, moderate comprehensiveness, Ayatollah Javadi, Ayatollah Ma'refat

1. Assistant Professor, group of Tafsir and Qur'anic Sciences, Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom, Iran.

2. Level 4 (teacher and researcher), comparative Tafsir, Al-Zahra society, Qom. Iran, (corresponding author). musavi6290@gmail.com

3. Level 4 (teacher and researcher), comparative Tafsir, Al-Zahra society, Qom. Iran. mousavi5888@yahoo.com



خوانش تطبیقی تفسیری قلمرو جامعیت علمی قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.6.5>

سید حسین شفیعی دارابی^۱

خدیجه حسین زاده^۲

مریم السادات موسوی^۳

چکیده

جامعیت علمی قرآن از مبانی مهم صدور تفسیر قرآن است که هر کدام از مفسران شیعی با استناد به ادله‌ای در هر یک از حوزه‌های جامعیت به یکی از دیدگاه‌های جامعیت حداقلی، اعتدالی و حداکثری، تمایل پیدا کرده‌اند. ورود تفصیلی و جدی آیت‌الله جوادی و آیت‌الله معرفت در این بحث، موجب سؤال از موضع آن‌ها نسبت به قلمرو جامعیت علمی قرآن شده است. از این رو، نوشتار حاضر به روش نقلی و پردازش اطلاعات به صورت تطبیقی با رویکرد انتقادی درصدد پرداختن به این مسأله است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد دو شخصیت قرآنی معاصر، جامعیت علمی قرآن را پذیرفته و نظراتی را در این خصوص ارائه نموده‌اند. آیت‌الله جوادی دیدگاه جامعیت حداکثری را با دو شرط شمول رهنمودهای ظاهری، باطنی، تنزیلی و تأویلی قرآن کریم و دیگر تبیین این رهنمودها توسط معصومین. هرچند اصل دیدگاه ایشان قابل اثبات و دلایل دیگری در تأیید آن می‌توان اقامه کرد، ولی در پاره‌ای از ادله، ضعف وجود دارد. اما آیت‌الله معرفت جامعیت علمی قرآن را به وسیله علوم قطعی به نحو اعتدال پذیرفته است. ایشان با استفاده از رد و نقد دیدگاه‌های مخالف در زمینه جامعیت سعی بر اثبات نظریه خود دارد و معتقد است؛ امکان استخراج تمام علوم از ظاهر قرآن وجود ندارد، بلکه جامعیت علمی قرآن در حقیقت اشاره‌هایی علمی است که قابل انکار نیست.

کلید واژگان: جامعیت علمی آیات، قلمرو جامعیت قرآن، جامعیت حداکثری، جامعیت حداقلی، جامعیت اعتدالی، آیت‌الله جوادی، آیت‌الله معرفت.

۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. shafieidarabi@chmail.ir

۲. طلبه سطح ۴ (مدرس و پژوهشگر)، رشته تفسیر تطبیقی، جامعه الزهرا (س)، قم، ایران، (نویسنده مسؤول).
musavi6290@gmail.com

۳. طلبه سطح ۴ (مدرس و پژوهشگر)، رشته تفسیر تطبیقی، جامعه الزهرا (س)، قم، ایران. m.mousavi5888@yahoo.com



مقدمه

جامعیت علمی قرآن، از جمله مباحث مبنایی در «شناخت قرآن» است که اتخاذ هر موضعی در این عرصه، نقش مهم و بسزایی در جهت تبیین و تفسیر آیات قرآن دارد. نوع برداشت هر مفسر از گستره موضوعات، مسائل و علوم نهفته در آیات قرآن و بالتبع نحوه تعامل با این آیات، از مفهوم قلمرو جامعیت علمی قرآن، تأثیر پذیر است. این نوع تلقی‌های مفسران از «قلمرو جامعیت علمی قرآن» با توجه به ادله‌ای که قائل هستند، باعث اختلاف آراء در این زمینه شده است. برخی از اندیشمندان به طور کلی جامعیت قرآن را انکار کرده‌اند و معتقدند که قرآن دارای کمال است، ولی جامعیت ندارد (ر.ک: بازرگان، ۱۳۸۳: ۹۱؛ سروش، ۱۳۸۴: ۳۹؛ شبستری، ۱۳۷۹: ۴۹۸؛ شاطبی، بی‌تا: ۶۸/۲ - ۷۶). البته این نظریه در مقالات مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است (کریم‌پور، ۱۳۸۳: ۶۴-۷۷؛ حاجی و مهریزان، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۱۳).

در مقابل منکران جامعیت قرآن، قائلان به جامعیت قرار دارند که گاهی جامعیت قرآن را در مقایسه با سایر کتب آسمانی و گاهی بدون مقایسه با آنها بیان می‌کنند. صاحب نظران در بحث جامعیت ذاتی قرآن، سه دیدگاه کلی جامعیت افراطی، جامعیت اعتدالی و جامعیت تفریطی (ایازی، ۱۳۸۰: ۵۵-۸۰) را ارائه کرده‌اند.

یکی از راه‌های دستیابی به فهم صحیح جامعیت علمی قرآن، مطالعه تطبیقی آرای مفسران است. دیدگاه آیت‌الله جوادی به دلیل تأثیرگذار و راهگشا بودنش برای حل مشکلات نظری در حوزه اندیشه و عمل دینی است؛ می‌تواند روشن‌کننده مواضع فرقه‌ها و فهم صحیح باشد و دیدگاه آیت‌الله معرفت، ضمن پذیرش اصل «جامعیت قرآن»، آیات ناظر به آن را یکی از راه‌های اثبات اعجاز علمی قرآن معرفی نموده و معتقد است که جامعیت قرآن در راستای هدف آن، که هدایت بشر می‌باشد، صورت گرفته است. علت اختلاف رویکردهای مذکور، در تفاوت پیش فرض‌های صاحبان آنها در فهم درست گزاره‌های علمی قرآن کریم نهفته است (معرفت، ۱۳۸۸: ۱/۶-۱۹-۳۰).

از این رو نوشتار حاضر، بر آن است با روش توصیفی و تحلیلی و کنکاش در آثار آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت به مطالعه تطبیقی خوانش قلمرو جامعیت علمی آیات قرآن کریم بپردازد.

با جستجویی که در سایت‌های علمی کشور انجام شد، نوشته‌ای اعم از کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای با عنوان مقاله، نگاشته نشده است. البته در مورد دیدگاه آیت‌الله جوادی، مقالاتی به صورت مجزا به بررسی تطبیقی نظر ایشان با نظر شهید مطهری و علامه طباطبایی پرداخته‌اند، اما برخلاف عنوان تطبیقی بودن، تنها نظر علامه طباطبایی مورد

بحث قرار گرفته است (ر.ک: کیخواجه نژاد و خاکپور، ۱۳۹۳: ۲۵-۴۶) و در مورد نظر شهید مطهری، شمول موضوعی قرآن، حول مسائل هدایتگری قرآن، اعجاز قرآن، آیات مرتبط با تقوا و مسائل معاد و جهان آخرت می‌باشد (ر.ک: کیخواجه نژاد، ۱۳۹۴: ۱-۱۳). اما درباره دیدگاه آیت‌الله معرفت نیز مقاله‌ای یافت نشد؛ مگر مصاحبه ایشان در زمینه جامعیت قرآن کریم که در فصلنامه مفید منتشر شده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۵: «جامعیت قرآن کریم»، فصلنامه مفید، ۶/ ۴-۲۲). بنابراین، وجه تمایز مقاله پیش‌رو در تبیین دیدگاه آیت‌الله جوادی و آیت‌الله معرفت بررسی تطبیقی و همه جانبه اقسام جامعیت علمی قرآن کریم است.

۱. مفهوم‌شناسی

بی تردید، بروز دیدگاه‌های متفاوت در زمینه «جامعیت علمی قرآن»، بیگانه از تعاریف ارائه شده در جهت تبیین مفهوم واژه «جامعیت» و دیگر واژگان مرتبط با این مسئله نمی‌باشد؛ بدین جهت، در پرتو بحث مفهوم‌شناسی، به بیان و بررسی واژگان مربوطه، پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم لغوی جامعیت

«جامعیت» از ریشه «جمع» اشتقاق یافته است و مصدر ثلاثی مجرد این ماده است، که به معنای جمع کردن، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸/ ۵۳ و فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۳۹) و پیوند اجزای یک چیز معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱/ ۷۰).

۱-۲. مفهوم اصطلاحی جامعیت قرآن

قرآن پژوهان، درباره «جامعیت قرآن» تعاریف مختلفی را مطرح کرده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

برخی از اندیشمندان، جامعیت را به معنای وجود و شمول تمام علوم در قرآن دانسته‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۲، ۸۲۵-۲۶۵؛ غزالی، ۱۴۰۹: ۲۶؛ ابوحجر، ۱۴۱۱: ۱۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۹۶؛ همان: ۱۳ / ۲؛ زرکشی، ۱۴۱۷: ۲۵/ ۲).

بعضی از محققان، براین باورند که: جامعیت قرآن به معنای بیان تمام اموری است که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی لازم است؛ اما نه این که قرآن دایره‌المعارف بزرگی باشد که تمام جزئیات علوم مختلف در آن آمده باشد (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۳۶۱).

آیت‌الله جوادی معتقد است: «علوم مختلف با توجه به جایگاهی که در مجموعه معارف دینی داشته و نقش تأییدی و ارشادی که دین در احکام عقلی و حسی و همچنین در تأمین برخی از اصول فوق عقلانی آن‌ها دارد، می‌توانند استفاده‌های گوناگونی را از

وحی و الهام غیبی ببرند و در صورتی که پیوند علوم یا وحی با شیوه مذکور برقرار گردد؛ یعنی علوم، اصول و مبادی فلسفی خود را بر بنیان هستی‌شناسی الهی سازمان داده و با وحی به عنوان یکی از منابع معرفتی که در برخی از موارد نقشی تأییدی و ارشادی و در بعضی از موارد نقش تأسیسی دارد، بنگرید؛ همه آن‌ها به عنوان جزئی از معرفت دینی، به تبیین بخش‌های مختلف آفرینش مشغول بوده و هر گاه در داوری‌های خود به حقیقتی دست یابند، به مفهومی که مورد اعتبار و نظر دین بوده و از تأیید الهی برخوردار است، نائل خواهند شد. بدین‌سان علم نه تنها در دایره اصول و یا فروع دین، بلکه در تمام حوزه‌هایی که اسلام (قرآن و عترت) درباره آن‌ها قواعدی را ارائه می‌نماید، علاوه بر ثباتی که خصیصه همه گزاره‌های علمی است، از تقدس الهی نیز بهره ور می‌گردد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۶۹)

با بررسی تفسیر المیزان و آثار قرآنی علامه طباطبایی مشخص می‌شود که ایشان، باب مستقلی تحت عنوان «جامعیت قرآن» در آثار خویش نگاشته است، اما اینگونه هم نیست که به کلی آن را وانهاده باشد، چرا که ایشان در مقام یک مفسر، ناگزیر از تنقیح این مبنای مهم تفسیری بوده است. از نظر علامه، جامع بودن قرآن معنایی قریب به «کامل بودن» آن دارد. این نکته را می‌توان از مجموع تعبیرها و مطالب علامه در این زمینه استنباط کرد:

۱. جامعیت قرآن، به معنای کامل بودن بیان آن در طرح مسائل، نسبت به کُتب آسمانی پیشین است.

۲. جامعیت قرآن، به معنای کامل بودن بیان آن در طرح مسائل، بدون مقایسه با کتاب‌های آسمانی دیگر می‌باشد.

علامه طباطبایی، در کتاب «قرآن در اسلام» تصریح نموده که قرآن به طور کامل، مقاصد خود را تشریح و بیان کرده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۱: ۲۳). علامه، با بهره‌گیری از روایت امام صادق ۷ جامعیت قرآن را در قیاس با کُتب پیشین آسمانی از حیث چگونگی بیان مسائل مورد توجه قرار داده است و «تفصیل کل شیء بودن قرآن» از تمام جهات را شاخص آن دانسته است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴۷/۲). در فرازهای متعددی از المیزان مشاهده می‌شود که علامه، جامعیت قرآن را در محدوده هدایت (همان: ۱۲/۳۲۵) یا نیازهای مرتبط با سعادت بشر (همان: ۸۱/۷) و امثال آن مطرح کرده است. بر حسب مفاذ این دسته از عبارات، قرآن جامع همه مسائل و نیازهای آدمی است. اما در چارچوب هدایت یا سعادت بشر و مانند آن، نه در جمیع جهات و نسبت به تمامی مسائل و موضوعات.

آیت‌الله معرفت، معتقد است قرآن جامع است؛ یعنی آن چه که در رابطه با اصول معارف

هست و بیان احکام و تشریحات می‌باشد، به‌طور کامل در دین مطرح است و رئوس و پایه‌های آن‌ها در قرآن موجود است.» (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/۱۹؛ معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، شماره ۶، ۴)

۲. دیدگاه‌ها در زمینه جامعیت علمی قرآن

صاحب نظران، در بحث جامعیت ذاتی قرآن، سه دیدگاه کلی جامعیت حداکثری، اعتدالی و حداقلی (ر.ک: ابازی، ۱۳۸۰: ۵۵-۸۰) را ارائه کرده‌اند؛ که در ذیل به تبیین نظرات دو مفسر، حول هر کدام از اقسام جامعیت پرداخته می‌شود.

۲-۱. دیدگاه حداکثری به جامعیت علمی قرآن

عده‌ای، بر این باورند که تمام علوم در قرآن وجود دارد. آنان برای اثبات دیدگاه خود، آیاتی که ظاهر آن‌ها با مطالب علمی سازگار است را بیان کرده و زمانی که ظاهر آیات، دلالت بر مطلب علمی ندارد، دست به تأویل می‌برند و علوم متفاوت را از قرآن استخراج نموده تا اثبات کنند که قرآن دارای اعجاز علمی است. برای نمونه: این گروه، با اعمال همین شیوه، از آیه شریفه «إِذَا مَرَّضْتُمْ فَهَوْاْ...» (شعراء/۸۰) علم پزشکی را از آن استخراج کرده‌اند (ر.ک: الغزالی، ۱۴۰۹: ۳۱؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۸۰).

۲-۱-۱. جامعیت حداکثری علمی قرآن از دیدگاه آیت‌الله جوادی

آیت‌الله جوادی در مجلدات مختلف تفسیر تسنیم (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۱: ۱۸۶/۲۶-۱۸۷، ۱۷۱-۱۷۳؛ همان: ۳۷۲/۲۵-۳۷۴؛ جوادی‌املی: در تقریرات درس خارج تفسیر، تفسیر سوره نحل، آیه ۸۹، جلسه ۹۶ و تفسیر سوره یونس، آیه ۶۱، جلسه ۷۱)؛ دیدگاه حداکثری را با قیودی برای قرآن می‌پذیرند. از نظر ایشان، قرآن تمام امور مؤثر در سعادت انسان را به‌طور کامل در بردارد، اما منحصر کردن سعادت بشر به مسائل اعتقادی، فقهی، اخلاقی، حقوقی و دخیل ندانستن علوم تجربی، نیمه تجربی، تجربی، محض و شهودی در سعادت بشر روا نیست؛ از این رو می‌توان همه علوم یاد شده را مشمول قرآن اعم از ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل دانست (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۱: ۱۸۶/۲۶-۱۸۷). ایشان، برای اثبات نظر خود به ادله و مؤیداتی استشهد می‌کنند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) دلیل عقلی: کتاب سعادت بودن قرآن

از آن‌جا که قرآن، کتاب سعادت است؛ پس هر چیز مرتبط با سعادت را شامل می‌شود. از سویی فهم علوم تجربی، ساختن سفینه، ماهواره و غیره چون بی‌نیازی مسلمانان را نسبت به بیگانگان به دنبال دارد، جزء سعادت آن‌ها است؛ زیرا پیامبر اکرم ۶ می‌فرماید:

الإِسْلَامُ يَعْلَمُونَ وَلَا يُعَلِّمُ عَلَيْهِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۳۴/۴)؛ اسلام برتری می‌گیرد و چیزی بر آن برتری نمی‌گیرد.» بنابراین، قرآن باید شامل همه علوم باشد (جوادی آملی، تقریرات درس خارج تفسیر، تفسیر سوره نحل، آیه ۸۹، جلسه ۹۶).

ب) دلایل نقلی: اطلاق یا عموم آیات دال بر وجود تمامی علوم در قرآن (ب) اطلاق اول، در آیه «مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/۳۸) است. که در معنای «الکتاب» در آیه ذکر شده دو احتمال وجود دارد: یکی لوح محفوظ که حقایق اشیاء و اسرار عالم در آن ثبت است و دیگری قرآن کریم که جریان علم به همه اشیاء در آن وجود دارد. اما در مورد قرآن نیز دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول این که مراد، ظاهر قرآن یا ظاهر قرآن و سنت باشد؛ به طوری که تمام علوم در ظواهر آن جمع شده و هر مفسری می‌تواند به آن استدلال و استتهاد کند. احتمال دوم این که مراد، باطن قرآن و سنت باشد؛ که هر کسی به آن دسترسی ندارد. آیت الله جوادی آملی در ترجیح این دو احتمال گفته است: به طور قطع، احتمال دوم صحیح است و کسی حق تکذیب آن را ندارد؛ زیرا احتمال اول که مراد، ظاهر قرآن باشد؛ مخالف خود قرآن است؛ چرا که طبق آیه «وَرُسُلًا لَمْ نَقْضُصْهُمْ عَلَيْكَ» (نساء/۱۶۴)؛ پیامبرانی که سرگذشت آن‌ها را بیان نکرده‌ایم.» قرآن، همه حقایق ارزشی را بیان نکرده؛ از این رو تمام مسائل ارزشی و دانشی به طریق اولی بیان نشده است (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۱: ۱۷۱/۲۶-۱۷۳).

اطلاق دوم، در آیه «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) است که طبق آن، قرآن بیانگر همه چیز است و هیچ وجهی وجود ندارد که گفته شود: این «لِكُلِّ شَيْءٍ» تنها شامل فقه، اصول و احکام است؛ زیرا همه چیز در سعادت ما نقش دارد (جوادی آملی، تقریرات درس خارج تفسیر، تفسیر سوره نحل، آیه ۸۹، جلسه ۹۶).

اطلاق سوم، در آیه «وَمَا سَقَطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام/۵۹) است که طبق آن، همه چیز در کتاب مبین ثبت است؛ اما به طور قطع، مراد از «کتاب مبین» در آیه، ظاهر قرآن نیست؛ چرا که حتی تمام مسائل مرتبط با هدایت هم در ظاهر قرآن نیست؛ چه برسد به این که تمام علوم در ظاهر قرآن باشد. مفسران، «کتاب مبین» را به «معنای تأویلی و باطنی اهل بیت: از قرآن»، «ام‌الکتاب نزد خداوند متعال» و «پیامبر و امامان معصومین آگاه از معارف غیبی» تفسیر کرده‌اند (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۲۱۲/۲).

از نظر آیت‌الله جوادی همه موارد ذکر شده می‌تواند، تفسیر آیه باشد، زیرا ضرورتی بر ارجاع یکی بر دیگری وجود ندارد و از سویی، دلیلی هم بر استحاله معانی کثیر نیست؛ بلکه همه این احتمالات درجات علمی ذات خداوند متعال هستند (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۵: ۳۷۲/۲۵-۳۷۴).

نتیجه این که، همه چیز در کتاب مبین هست و از سوی امام با کتاب مبین همراه است؛ در نتیجه ظاهر نشئه قرآن با عترت است و باطن قرآن با باطن امام همراه است؛ چرا که انسان کامل با لوح محفوظ قرین است؛ پس اگر چیزی در کتاب مبین باشد؛ حتما از مشهود ذات مقدس امام سلام‌الله‌علیه است (ر.ک: جوادی، تقریرات درس خارج تفسیر، تفسیر سوره یونس، آیه ۶۱، جلسه ۷۱).

ج) مؤیدات روایی

آیت‌الله جوادی‌املی، روایت اولی را که به عنوان مؤید عقیده خویش، استفاده کرده است؛ روایت امام علی ۷ در مقام مذمت اختلاف علما در قضاوت و فتاوا است. ایشان می‌فرماید: «أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سَجَانَهُ دِينًا تَقْصَا فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَى إِمَامِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سَجَانَهُ دِينًا تَامًا فَقَضَى الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله) عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَائِهِ وَاللَّهُ سَجَانَهُ يَقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَفِيهِ تَبْيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ...» (ر.ک: نهج البلاغه: خطبه ۸). جمله «تَبْيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ» در روایت، دال بر وجود همه علوم در قرآن است. مؤید روایی دومی که ایشان در تأیید نظریه خود می‌آورند، روایتی از امام رضا ۷ است، که می‌فرماید: «...إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْضُ نَبِيَّهُ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْمُحْدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَجَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَمَا لَقِيَ عَزَّ وَجَلَّ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۷۴)؛ به راستی خداوند جلیل و عزیز؛ رسول خود را قبض روح نکرد تا این که دین اسلام را برایش به کمال رسانید و کامل ساخت، و قرآن را که حاوی تفصیل هر چیزی است بر او نازل ساخته و در آن حلال و حرام، حدود و احکام، و تمام نیازمندی‌های مردم را بیان کرد و فرمود: در کتاب هیچ گونه کوتاهی نکرده‌ایم.»

البته نظیر همین روایات نیز در اصول کافی نقل شده که به جای عبارت «تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ» از جمله «تَبْيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ» استفاده کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۴۸۹).

از نظر آیت‌الله جوادی‌املی ظاهر این دو روایت دالت بر این دارد که همه علوم و نیازهای مردم در قرآن بیان شده است (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۰: ۱۸۷/۲۵-۱۸۶).

۲-۱-۲. جامعیت حداکثری علمی قرآن از دیدگاه آیت‌الله معرفت

آیت‌الله معرفت معتقد است: هر چند وجود آیات علمی در قرآن انکارناپذیر است و امکان استفاده از حقیقت‌های علمی قطعی در فهم و تفسیر آن آیات منتفی نیست، ولی این نکته ضروری است که اثبات جامعیت و اعجاز علمی قرآن برای غیر عرب و حتی دانشمندان علوم تجربی، متوقف بر این نیست که قرآن به بیان تمام مطالب علمی نیز پرداخته باشد. اعجاز علمی قرآن از راه‌های متفاوتی قابل اثبات است؛ یکی از راه‌های

اثبات اعجاز علمی قرآن این است که این افراد می‌توانند متوجه این قضیه باشند که فصحا و بلغاء عرب در زمان نزول قرآن و پس از آن، از آوردن سوره‌های مانند قرآن عاجز بوده‌اند و بر خارق العاده بودن فصاحت و بلاغت آن اعتراف نموده‌اند و یا از خبرهای غیبی آن، که پس از مدتی تحقق یافته، معجزه بودن آن را متوجه شده‌اند، یا از این که فردی امی، در عصر جاهلیت برترین معارف، اخلاق و احکام عبادی و غیرعبادی را برای بشر آورده، به الهی بودن قرآن کریم و ارتباط آورنده آن با خدای متعال آگاه شده‌اند. (ر.ک. معرفت، ۱۳۸۸: ۶/۱۳-۲۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳/۵۸۴).

۲-۱-۳. وجوه افتراق و اشتراک دو مفسر در جامعیت حداکثری علمی قرآن

هر دو مفسر، در حوزه جامعیت علمی قرآن بر این باورند که برای دسترسی به بسیاری از علوم باید به باطن قرآن و تأویل آن دست یافت (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۱: ۲۶/۱۸۶-۱۸۷؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۶/۱۳-۲۰)، زیرا دستیابی به بسیاری از این علوم به حسب ظاهر الفاظ، میسر نیست؛ با این تفاوت که آیت‌الله معرفت در هیچ کجا مدعی جامعیت علمی قرآن، نسبت به تمام علوم طبیعی و تجربی نشده است؛ البته در تفسیر آیات علمی قرآن از حقایق علمی، به منظور سوق دادن انسان به شناخت الهی، بهره جسته است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/۱۹)؛ (ر.ک: معرفت و میرمحمدی، ۱۳۸۷: شماره ۶، ۴).
اما آیت‌الله جوادی معتقد است، تمام مسائل اعتقادی، فقهی، اخلاقی، حقوقی، علوم تجربی، نیمه تجربی، تجربی محض و شهودی چون در سعادت انسان مؤثر است؛ در قرآن وجود دارد؛ البته دستیابی به این علوم باید توسط معصومین انجام گیرد (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۱: ۲۶/۱۸۶-۱۸۷). ایشان علاوه بر ادله نقلی از دلیل عقلی نیز برای اثبات مدعای خود، بهره گرفته است.

۴-۱-۲. ارزیابی دو دیدگاه در حوزه جامعیت حداکثری علمی قرآن

پذیرش دیدگاه حداکثری توسط آیت‌الله جوادی و مؤثر بودن تمام علوم در سعادت انسان، مبتنی بر تعریف ایشان از علم دینی است. از نظر ایشان همه علوم، دینی هستند؛ زیرا که معیار دینی بودن يك مطلب، آن است که از راه عقل برهانی یا نقل معتبر، اراده خداوند نسبت به لزوم اعتقاد یا تخلّق یا عمل به چیزی کشف شود؛ پس علم دینی، علمی است که از قول یا فعل الهی تحقیق و بررسی می‌نماید و علوم تجربی نیز از آن جهت که بحث پیرامون آن‌ها راجع به فعل الهی است؛ علم دینی محسوب می‌شوند. ایشان به علم فراگیر پیامبر و ائمه معصومین توجه داشته و آن را مرتبط با صفت «تبیان کل شیء بودن» قرآن می‌دانند که در فرازهایی از آیات قرآن به این صفت اشاره شده است؛ به عبارت دیگر جامعیت علمی آنان نشأت یافته از جامعیت

قرآن است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۲۱۰-۲۰۸).

در تأیید این نظریه، برخی روایات را می‌توان اقامه نمود؛ به عنوان نمونه از امام صادق ۷ در ذیل آیه ۸۹ سوره نحل روایاتی نقل شده که حضرت در خلال آن خود را عالم به کتاب الهی معرفی می‌کند و کتاب خدا را چنین توصیف می‌کند که «قرآن کتابی است که در آن، همه چیز از آغاز تا انجام عالم، خیر آسمان و زمین، بهشت و جهنم، گذشته، حال و آینده وجود دارد.» سپس امام منبع علم خود را قرآن معرفی نموده و به آیه ۸۹ سوره نحل اشاره می‌کند و می‌فرماید: «تمام علم من از قرآن است، کتابی که خداوند در حق آن فرموده تبیان همه چیز است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۱۵۶؛ ۵۶۹/۸؛ ۶۴۹/۴). در روایت دیگری از امیرالمؤمنین نقل شده که در آن، حضرت علم خود را به برخوردارگی از نعمت فهم کتاب الهی مستند نموده است (ر.ک: ابن حنبل، بی‌تا: ۷۹/۱: بخاری، ۱۴۰۱: ۴/۳۰؛ ابن شاذان، بی‌تا: ۴۵۸ - ۴۰۹).

از ارتباط وثیقی که بین علم جامع معصومین و تبیان کل شیء بودن قرآن در این روایات ترسیم می‌شود، می‌توان به این نتیجه رسید که مصدر علم معصوم، قرآن است؛ از این رو این روایت، نظر آیت‌الله جوادی را تأیید می‌کند.

اما استدلال ایشان به روایت امام علی ۷ که در تأیید دیدگاه‌شان به آن استشهاد نموده است؛ خالی از اشکال نیست؛ زیرا از نظر ایشان روایت امام علی ۷ دال بر این است که همه علوم و نیازهای مردم در قرآن است؛ و نصّ روایت نقل شده چنین است که حضرت فرمودند: «أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَ دِينَانَا قِصَافًا سَعَانَ مَعَهُ عَلَى إِمَامِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَ دِينَانَا تَامًا فَفَصَّرَ الرَّسُولُ ص عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَانِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَفِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ تَبْيَانٍ لِكُلِّ شَيْءٍ؛ آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آن‌ها استمداد کرده است؟ آیا آن‌ها شرکاء خدا هستند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؟ درحالی که خدای سبحان می‌فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم» و فرمود: «در قرآن بیان هر چیزی است (نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

این درحالی است که موضوع خطبه، مذمت قضاوت اهل رأی براساس رأی و نظر شخصی است و روایت دستور می‌دهد که بر طبق احکام اسلامی و قرآن حکم نماید. با توجه به قاعده تناسب حکم و موضوع، قدر متیقن از دلالت روایت این است که تمام احکام مورد نیاز انسان‌ها در قرآن است و چیزی را فروگذار نکرده است؛ چون طبق روایت، قضاوت قاضی باید براساس احکام قرآن و اسلام باشد. بنابراین، روایت نمی‌تواند دال بر دیدگاه حداکثری باشد. مؤید چنین برداشتی این که از نظر ابن‌ابی

الحدید نیز روایت، بر تام بودن احکام در شرع دلالت دارد (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۸۹/۱-۲۹۰).

۲-۲. دیدگاه حداقلی به جامعیت علمی در قرآن

کسانی که نگاه حداقلی به مسأله جامعیت علمی قرآن دارند و به طور کلی، مخالف جامعیت علمی قرآن کریم هستند، و قائلند که هیچ یک از علوم در قرآن نیامده، به این معنا که قرآن نه تنها عهده‌دار علوم بشری نیست، بلکه در مقوله دینی نیز تمام سخن را نیآورده است، ولی در بیان ارزش‌های کلی و احکام شرعی دارای جامعیت است. از جمله قائلان به این نظریه، شیخ طوسی (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۱۸/۶؛ زمخشری (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۲۸)؛ فخررازی (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۰/۲۵۸)؛ احمدمصطفی مراغی (ر.ک: مراغی، بی‌تا: ۱۲۸/۴) و ابن عاشور (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۰۳/۱۳ - ۲۰۴) را می‌توان نام برد.

قائلان به این دیدگاه، معتقدند نگاه حداکثری به جامعیت علمی به چند جهت درست نیست. اولاً، به این سبب که قرآن برای بیان موضوعات علوم نازل نگردیده است؛ ثانیاً، این راه، موجب تأویل قرآن به صورت تحمیل علوم به آیات قرآن می‌شود که این تأویلات، با اعجاز قرآن و ذوق سلیم هم‌جهت نیستند؛ ثالثاً، باعث شده که قرآن در هر زمان و مکان به دنبال مطالب علوم برود، در حالی که علوم، ثابت نیستند و چه بسا امروز، چیزی را اثبات کند و فردا مخالف آن ثابت شود. بنابراین، خطاهای علوم به قرآن راه می‌یابد و آنگاه باید در مقام دفاع قرار گرفت، هرچند قرآن اشاراتی به علوم و فنون دارد (ر.ک: ابو جحر، ۱۴۱۱: ۱۳۰ - ۱۳۸؛ حائری، بی‌تا: ۱۵۱ - ۱۵۳؛ سروش، ۱۳۸۸: ۴۸ و ۵۸؛ رضایی اصفهانی، بی‌تا: ۱۶۸).

حال، باید دید آیت‌الله جوادی و آیت‌الله معرفت در پذیرش و رد این دیدگاه چه نظری دارند؟

۲-۲-۱. جامعیت حداقلی از دیدگاه آیت‌الله جوادی و آیت‌الله معرفت

بر طبق جستجوی استقرایی که در آثار علامه جوادی و آیت‌الله معرفت صورت گرفته، این دو بزرگوار سخنی از جامعیت حداقلی به میان نیآورده‌اند و گویا اصلاً آن را در مورد قرآن قبول ندارند؛ به هر حال، در این مجال به ارزیابی نظرات حداقلی در این باب پرداخته می‌شود.

۲-۲-۲. ارزیابی دیدگاه حداقلی به جامعیت علمی در قرآن

در جهت نقد دیدگاه حداقلی باید گفت در صورتی تفسیر علمی آیات، مستلزم چنین اثرات نامطلوبی است که:

الف. آیات علمی با مطلق نظریات علمی حتی نظریه‌های احتمالی تفسیر شود، ولی اگر در تفسیر آیات بر اساس قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره و با رعایت قواعد تفسیر در مواردی که ممکن است، با کمک گرفتن از یافته‌های قطعی علوم تجربی زوایای بیشتری از معانی و مقاصد آیات آشکار گردد، نه تنها چنین اثر نامطلوبی را به دنبال نخواهد داشت، بلکه با این تفسیر، اعجاز علمی قرآن آشکار شده و در استحکام عقیده مردم نسبت به حقانیت قرآن مؤثر خواهد بود.

ب. بی‌تردید برای فهم معنای آیات علمی، مانند هر متن عربی دیگر مقدماتی لازم است، باید معنا و مفهوم واژه‌ها در زمان نزول، قواعد ادبیات عرب، قرائن متصل و منفصل آیات از قبیل فضای نزول، ویژگی‌های گوینده و مخاطب و مشخصات خارجی موضوع سخن، مقام و لحن کلام و روایات بیانگر قیود آیات علمی مشخص شود و با توجه به همه این مسائل، آیات تفسیر و تبیین شود. بی‌هیچ تردیدی، اگر با رعایت امور یاد شده، به تفسیر آیات علمی پرداخته شود، زمینه‌ای برای بروز هیچ‌یک از آسیب‌های یاد شده فراهم نخواهد گشت (ر.ک. شاکر، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۳).

بنابراین، با تغییر نظریه‌های علمی و کشف مسائل جدید در حقیقت نقصان و خطای علم مشخص می‌گردد، نه این‌که نقصانی بر قرآن وارد شود. در اصل تفسیری که از آیات، طبق نظریه‌های متغیر علمی بیان شده است، تغییر کرده، و این نقصان و خطای علم است که آشکار می‌گردد و اثر آن، سلب اعتماد مردم از مباحث علمی است، نه تزلزل اعتقادی نسبت به ابطال ناپذیری خود قرآن.

ج. این دیدگاه معارض با ادله نقلی است؛ زیرا اولاً، با وجود آموزه‌های اجتماعی قرآن؛ مانند زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، اطلاق و غیره که ناظر به مسائل دنیایی است، منافات دارد. ثانیاً، برخی آموزه‌های قرآنی و روایی بر عدم جدایی سعادت اخروی از زندگی اجتماعی دارد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۹۶-۲۹۵)؛ از این رو، قرآن نمی‌تواند برای امور دنیایی برنامه سعادت نداشته باشد. هم‌چنین اطلاق آیات جامعیت باید با قرینه قطعی مقید شود؛ درحالی که چنین ادله‌ای وجود ندارد.

۲-۳. دیدگاه اعتدالی به جامعیت علمی در قرآن

برطبق جامعیت اعتدالی قرآن اصول و ارزش‌های کلی را بیان کرده که انسان می‌تواند براساس آن یک نظام حقوقی، سیاسی، اجتماعی را استخراج کند. این دیدگاه سه تفسیر مختلف دارد: جامعیت در مقوله هدایت و تربیت، جامعیت برای مخاطبان خاص و جامعیت درباره احکام دین (کریم‌پور قراملکی، ۱۳۸۲: ۴۴). از جمله قائلان به دیدگاه اعتدالی، محمد عزه دروزه (دروزه، ۱۴۲۱: ۵ / ۱۶۶-۱۶۷)؛ علامه طباطبایی (طباطبایی،

۱۴۱۷: ۳۲۴/۱۲-۳۲۵؛ ناصر مکارم شیرازی (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۳۶۲/۱۱-۳۶۱) هستند. حال، باید به بررسی دیدگاه آیت‌الله جوادی و آیت‌الله معرفت در این زمینه پرداخت تا مشخص شود چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند.

۲-۳-۱. جامعیت اعتدالی از دیدگاه آیت‌الله جوادی

در آثار غیر تفسیری و تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی ظاهراً شواهدی بر تمایل ایشان به جامعیت اعتدالی وجود دارد. البته کسی که معتقد به دیدگاه حداکثری باشد، به نوعی دیدگاه اعتدالی را در دل و همراه خودش دارد؛ زیرا به قول معروف: «چه صد آید پیش ما، نود هم پیش ما است.» ایشان در این آثار معتقدند که خداوند متعال، قرآن را به عنوان تبیان همه چیز برای هدایت انسان‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَنزَلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَیْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِینَ (نحل / ۸۹)؛ ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.» بر طبق این آیه، هر چیزی که در تأمین سعادت انسان مؤثر است، در این کتاب الهی بیان شده است. اشتغال قرآن بر همه معارف، اخلاق و اعمال هدایتی به طور رمز، ابهام، معما و مانند آن‌ها جدای از قانون محاوره و اسلوب تعلیم و تربیت نیست؛ چراکه خدای سبحان از جامعیت قرآن نسبت به همه اصول اسلامی به عنوان «تبیان» یاد کرده است (ر.ک: جوادی، ۱۳۸۸: ۲۲۲). همه معارف قرآن به طور روشن بیان شده است؛ یعنی قرآن از لحاظ محتوا و مضمون، بی‌نیاز از مطالب بیگانه است و در تعلیم و تفهیم آن‌ها بیانی رسا و لسانی گویا دارد که از زبان دیگران بی‌نیاز و از قلم بیگانگان مستغنی است (ر.ک: جوادی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶).

۲-۳-۲. جامعیت اعتدالی از دیدگاه آیت‌الله معرفت

همان‌گونه که اشاره شد، آیت‌الله معرفت نیز از مدافعان دیدگاه اعتدالی هستند. ایشان در این زمینه معتقدند که وظیفه شریعت، درس علوم طبیعی نیست و قرآن بالذات، کتاب علم نیست، مگر اشاراتی گذرا و اجمالی، به طوری که علمای راسخ در علم، آن اشارات را درک می‌کنند، چون قرآن در صدد بیان مطالب علمی نبوده، ولی در عین حال از دریای بی‌کران علم الهی نشأت گرفته است. این نکته را نیز بسیار گوشزد می‌کند که بین اسناد قطعی علوم تجربی به قرآن و تفسیر قرآن با علوم تجربی به نحو احتمالی باید فرق گذاشت (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۱۳/۶-۲۶).

ایشان، بر این باورند که قرآن جامع علمی است که به دین و شریعت و هدایت بشر ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا جامعیت آیات علمی در گرو شناخت اهداف نزول آیات قرآن است. با توجه به این که اساسی‌ترین هدف قرآن، هدایت است و انسان نه تنها در

مسائل معنوی، بلکه در مسائل مادی نیز نیازمند هدایت است. بنابراین، قرآن در هر دو جنبه جامع است؛ جامع اصول معارف و آن چه که در رابطه با بیان احکام است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۹-۲۰؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۱۴ع). علامه معرفت بر این مطلب تأکید فراوان دارند که اشارات علمی قرآن، هدف اصلی آن نبوده، بلکه هدف قرآن، هدایت به سوی خدا است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/ ۳۰؛ رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳/ ۵۸۴). در قرآن نیز به کرات بیان شده که این کتاب برای هدایت مردم است (یونس/ ۵۷؛ ابراهیم/۱).

بنابراین، اگر اشاره‌های علمی در قرآن وجود دارد، در راستای هدایت است؛ و قطعیت علوم و معارف بشری برای فهم قرآن لازم است و وجود اشاراتی علمی در قرآن قابل انکار نیست. طوری که بدون استفاده از علوم، فهم حقیقت آن‌ها ممکن نیست.

۲-۳-۳. ادله جامعیت اعتدالی علمی قرآن از نظر آیت‌الله معرفت

آیت‌الله معرفت، برای اثبات نظریه خود در زمینه «جامعیت علمی قرآن»، به رد دیدگاه‌های مخالف پرداخته است. بنابراین، در این قسمت به بیان ادله ایشان در جهت رد دو دیدگاه افراطی‌ها و تفریطی‌ها در حوزه جامعیت پرداخته، تا ادله ایشان روشن گردد.

الف. آیت‌الله معرفت بر این باورند که آیه شریفه، **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ**، (مائده/۳) معنای کمال و شمول و فراگیری را می‌رساند، بطوری که اسلام و در رأس آن قرآن، آن چه را نیاز بشر بوده، به‌طور کامل عرضه داشته است. طبق آیه شریفه، وقتی قرآن ادعای کمال می‌کند؛ از این جهت که روی کرسی تشریح نشسته، چنین ادعایی می‌کند؛ نه روی کرسی تکوین. اگر مدعی این کلام، بر کرسی تکوین تکیه داده بود و آورده بود که هر آن چه که نیازمندی است، من برای شما آورده‌ام؛ در چنین ادعایی جا داشت که گفته شود؛ علوم تجربی، ریاضی و تمام ابعاد فرآورده‌های بشری باید حداقل ریشه‌اش در قرآن باشد، ولی این سخن را موقعی آورده است که بر کرسی تشریح تکیه زده، پس معنایش این است که آن چه در رابطه با شریعت است، اصولاً و فروغاً، ما برای شما مطرح و پایه‌ریزی کرده‌ایم (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/ ۱۲۹؛ معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۳۹ع).

همچنین در مورد آیه شریفه **تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ**، (نحل/۸۹) یا **تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ**، (اعراف/ ۱۴۵) که برخی (ر.ک: الغزالی، ۱۴۰۹: ۳۱-۳۴؛ الذهبی، بی‌تا: ۲/ ۴۷۴-۴۷۷ع)؛ به مفاد این آیه در جهت جامعیت تام، این‌گونه استدلال می‌کنند که اگر مهندسی کتابی بنویسد و بگوید «فیه تبیان کل شیء»؛ یعنی «کل شیء» مربوط به

هندسه است؛ که این يك امر عرفی است. در مورد آیه شریفه که مربوط به شئون دینی است که نیاز مردم است، ما در این کتاب روشن کردیم. صدور این کلام از شارع مقدس است، چه در کتاب و چه در سنت، چون این امر در موقعی صادر شده که شارع مقدس روی کرسی تشریح نشسته است و موضع تشریحی به خودش گرفته است. بنابراین، قطعاً شامل امور تکوینی نمی‌شود (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/ ۲۸-۳۰؛ معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: شماره ۶، ۷). بنابراین، مقصود از کمال و جامعیت از منظر آیت‌الله معرفت، جامعیت در شئون دینی است (اصولاً و فروغاً)؛ یعنی آن چه که در رابطه با اصول معارف و بیان احکام و تشریحات می‌باشد، به‌طور کامل در دین مطرح است و رئوس و پایه‌های آن‌ها در قرآن موجود است (ر.ک: معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: شماره ۶، ۶).

ب. قرآن کریم، شأنش این نیست که در اموری که مربوط به یافته‌های خود بشر است، دخالت کند؛ حتی راهنمایی کردنش هم معنا ندارد، زیرا خداوند به انسان عقل و خرد و اندیشه ارزانی داشته؛ و خداوند به انسان چیزی داده که او را در زندگی بی‌نیازش می‌کند و آن چیز، همان عقل و خرد اوست. بنابراین، معنا ندارد که گفته شود انسان برای پی بردن به هندسه فضایی، قانون ریاضی و ... از شرع کمک بگیرد؛ این وظیفه شرع نیست، بلکه وظیفه شرع این است که برنامه‌هایی طرح کند که انسان، زندگی سالم داشته باشد. اسلام به خوراک و پوشاک انسان کار ندارد، منتهی می‌گوید باید از راه حلال باشد، اسراف نباشد، از راه تجاوز به حقوق دیگران نباشد. اسلام آمده است که زندگی انسان را تعدیل بخشد و انسان در زندگی میانه‌رو باشد، افراط و تفریط، تعدی و تجاوز به حقوق دیگران نکند. اسلام آمده که انسان را سعادت‌مند کند (ر.ک: معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: ۶ و ۷). پس وظیفه دین نیست که در شئون زندگی انسان، دخالت کند، بلکه این امور مربوط به خود انسان است، که باید فراهم‌شان کند.

ج. آیت‌الله معرفت در جای دیگر اخطار داده است که مبنای استخراج تمام علوم از قرآن، نادرست است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/ ۱۳-۳۰) و افراط در تفسیر آیات علمی، باعث دوری از هدف هدایتی قرآن می‌شود. آوردن مطالب علمی زیاد در لابه‌لای تفسیر قرآن، مقصد اصلی آن، که هدایت بشر است، مورد غفلت قرار گرفته، به بیان دیگر، تفسیر علمی باعث سوء برداشت از ذات قرآن می‌شود و گمان می‌رود که قرآن تنها برای بیان علوم آمده است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸: ۲/ ۴۴۹ - ۴۴۸)، ولی گاهی افراد فرهنگی که علاقه به قرآن دارند و اطلاعات اندکی هم از علوم دارند، کتاب‌ها و

مقالات زیادی می‌نویسند که گاهی مطالب علوم را بر قرآن تحمیل و توجیه می‌کنند (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۸: ۴۴۳/۲).

د. علامه معرفت ضمن سؤالی که از دیدگاه مخالف نموده است در حقیقت به اثبات ادعای خود پرداخته است که از کجا و چگونه همه علوم، صنایع و اکتشافات روز افزون از قرآن استنباط شده؟ چرا پیشینیان به آن پی نبرده و متأخرین نیز به آن توجهی ندارند؟ (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/۱۳-۲۶؛ معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: شماره ۶، ۷ و ۸). بنابراین، دلیل برای رد این ادعا این است که این ادعا، نه دلیلی دارد و نه شاهی می‌تواند داشته باشد. هـ طبق نقل ذهبی، برخی از موافقان جامعیت علمی قرآن، برای اثبات باور خویش، به آیه شریفه «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام/۵۹) استشهاد کرده‌اند. (ر.ک: الذهبی، بی‌تا: ۲/ ۴۷۴-۴۷۷؛ الغزالی، ۱۴۰۹: ۳۱-۳۴). آیت‌الله معرفت در مقام نقد این استناد و استشهاد گفته است: این آیه، ربطی به جامعیت کامل قرآن ندارد؛ چرا که کتاب مبین را می‌گوید و نه قرآن را. کتاب مبین به جای خود محفوظ، بلکه مقصود این است که هر آن چه در عالم وجود تحقق پیدا می‌کند، از پیش نوشته شده است. این آیه، چیزی غیر از این نیست و ربطی به قرآن ندارد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۶/ ۲۸-۳۰؛ معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: شماره ۶ و ۷).

۲-۳-۴. وجوه اشتراک و افتراق دو مفسر در حوزه جامعیت اعتدالی

هر دو مفسر در حوزه جامعیت اعتدالی از شمول قرآن بر تمام مسائل دینی براساس هدف نزول قرآن و بعثت انبیاء سخن گفته‌اند و دایره شمولیت هدایتی قرآن را به کلیه علوم دینی و دنیوی لازم برای هدایت انسان گسترش داده‌اند و از محدود ساختن امور دینی به اصول و فروع امتناع کرده‌اند و عمده دلیل هر دو مفسر استفاده از قرینه مقامیه در ذیل آیات است (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۲: ۳۰/۳۰؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۲/ ۴۴۸-۴۴۹).

۲-۳-۵. ارزیابی دو دیدگاه در حوزه جامعیت اعتدالی

در ارزیابی دیدگاه آیت‌الله جوادی توجه به این نکته که ایشان ابتدا در آثار قبل از تسنیم، جامعیت قرآن را در حیطه هدف قرآن که امر هدایت باشد، پذیرفته‌است، ولی به صراحت در قسمت‌های مختلفی از تفسیر تسنیم از دیدگاه حداکثری با قیودی دفاع کرده‌است که در توجیه این دوگانگی دو احتمال می‌توان مطرح نمود:

احتمال اول: به دلیل این که تفسیر تسنیم بعد از آن‌ها نگارش شده شاید بتوان گفت که ایشان از دیدگاه پیشین خود برگشته است. مؤید چنین برداشتی کلام ایشان در تفسیر

تسنیم، دربارهٔ جامعیت مقایسه‌ای یا نسبی است؛ زیرا ایشان، تورات را جامع در مسائل هدایتی و قرآن را جامع در همهٔ مسائل می‌دانند تا به این وسیله، هیمنهٔ قرآن را بر سایر کتب تبیین نمایند. (ر.ک: جوادی، ۱۳۹۲: ۳۰۲/۳۰).

احتمال دوم؛ با تفاوت قائل شدن بین دو واژه «اشتمال» و «جامعیت» (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۰: ۹۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۰۰/۹) قابل تبیین است؛ هر چند در لغت این دو واژه، معنای نزدیک به هم دارند (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۶۵/۶؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۲۵۴/۱۱). با این توضیح که آیت‌الله جوادی در آثاریش از تفسیر تسنیم درصد تبیین جامعیت قرآن است؛ یعنی از نظر ایشان، قرآن کلیهٔ امور مورد نیاز برای هدایت انسان‌ها را بیان کرده است، اما در تفسیر تسنیم، درصد بیان شمولیت مسائل قرآن، در این حوزه است؛ یعنی قرآن در راستای رسیدن به این مهم، از کلیهٔ علوم بهره گرفته است، البته با جستجویی که انجام شد؛ مؤیدی برای تأیید این احتمال یافت نشد.

در ارزیابی دیدگاه آیت‌الله معرفت که قائل به جامعیت آیات علمی در راستای هدایت و تشریح احکام است. سؤال مطرح است و آن این که، یکسری آیات از جانب خداوند متعال به ما رسیده؛ در حالی که ربطی به سعادت ما ندارد؛ مثلاً در مورد چرخش زمین و یا مراحل تشکیل جنین و ... که ربطی به تشریح ندارد، بلکه می‌توان گفت مربوط به تکوین است. خلاصهٔ کلام این که چرا شارع در بعضی مسائل غیر شرعی وارد شده است؟

البته ایشان معتقدند این آیات عنوان تفضّل را دارا هستند. در مورد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم که عقل کل است، نمی‌توان گفت: فقط در خصوص مسائل شرع آگاه است؛ بلکه در همه چیز واقف است، اما وظیفه‌اش بیان نیست، بلکه وظیفهٔ او در محدودهٔ شرع مقدس است. حالا احیاناً در محیط خودش چیزی دید که مردم عقلشان به جهتی که باید برسد، نرسیده، آن‌ها را تفصیلاً آگاه می‌کند. این اشکالی ندارد که گاهی پیغمبر مثلاً در مدینه چون بهداشت کاملاً رعایت نمی‌شد بفرماید: خاکروبه را شب در خانه نگه ندارید، این بیماری پشه می‌آورد و موجب سرایت میکروب‌ها به بدن می‌شود. این‌ها یک نوع ارشاداتی است که شرع مقدس از باب دلسوزی برای جامعه خودش دارد. بنابراین، آیت‌الله معرفت از این قبیل دستورها را، مثل سایر دستورهایی که جنبهٔ شرعی دارد، قائل نشد؛ و گفته است: «اینها اطلاق و عمومیت ندارد. و نبایستی با اینجور دستورهایی ارشادی که در رابطه با محیط خاص خود معصوم است، معاملهٔ روایات احکام را نمود و به اطلاق آن عمل کرد. حتی در قرآن آن جایی که دربارهٔ غسل می‌فرماید: «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (نحل / ۶۹) اگر فقیه بگوید هر کس هر دردی دارد، اگر غسل بخورد، خوب می‌شود، چون قرآن به‌طور عموم و اطلاق فرموده است؛ بنابه نظر

ایشان این حرف، غلط است؛ چون «فیه شفاءٌ للنَّاسِ»، مثل «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره/ ۴۳) نیست، بلکه يك قضیه خارجیه است، عسل برای آن محیط در آن وقت شفا بخش بوده، و برای امراض عمومی، کمبود کلسیم و ... آن جامعه خوب بود، نه این که برای برخی بیماری‌های خطرناک هم دستور دهیم که عسل بخورند و به اطلاق آیه کریمه عمل کنند. این خطای محض است.» (ر.ک: معرفت و میرمحمدی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، ۱۳۸۷: شماره ۶/ ۱۰ و ۱۱).

بنابراین، ایشان مواردی از این قبیل را از باب تفضل شارع دانسته است. ولی به نظر می‌رسد این‌گونه موارد هم به سعادت دنیوی و هم به سعادت اخروی انسان‌ها ربط دارد؛ مثلاً در پاره‌ای موارد معرفت انسان را نسبت به خالق، بالا می‌برد (انبیاء/ ۳۱) و یا مواردی از این قبیل که هر کدام حکمت‌های خاص خود را داراست و شارع عالم به این قضایا است.

نتیجه

از بررسی نظرات دو مفسر در مسأله جامعیت علمی قرآن به دست می‌آید که از نظر آیت‌الله جوادی در مسأله جامعیت ذاتی، چون تمام علوم در رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت تأثیرگذار است و از سویی قرآن برای سعادت انسان نازل شده است. بنابراین، جامعیت حداکثری برای قرآن با دو شرط پذیرفته است؛ یکی این که رهنمودهای قرآن شامل ظاهر، باطن، تنزیل و تأویل این کتاب باشد و دیگر این که این رهنمودها توسط معصومین ارائه شوند. البته نباید توقع داشت که از همه علوم به یک میزان سخن بگوید؛ یا این که جزئیات همه علوم از آن، قابل استنباط باشد. اما آیت‌الله معرفت جامعیت علمی قرآن را به وسیله علوم قطعی به نحو اعتدال پذیرفته است. ایشان با استفاده از رد و نقد دیدگاه‌های مخالف در زمینه جامعیت سعی بر اثبات نظریه خود دارد و معتقد است؛ امکان استخراج تمام علوم از ظاهر قرآن وجود ندارد؛ بلکه جامعیت علمی قرآن در حقیقت اشاره‌های علمی است که قابل انکار نیست و فهم آن‌ها در پرتو علوم قطعی و جدید بدست می‌آید که این آیات دارای نکات علمی دقیق بوده و دارای اعجاز علمی است. از دیگر سویی، از آن جا که هدف اصلی قرآن، هدایت انسان به سوی خدا است، اشارات علمی قرآن نیز در راستای این هدایت است. و در صدد تبیین همه جزئیات علوم طبیعی نبوده است، زیرا علوم تجربی حاصل تجربه‌های بشری است؛ و حالت ثبات ندارد؛ و در طی قرن‌ها تلاش انسان بدست آمده است و در آیات علمی باید بین علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی علوم تجربی تفاوت گذاشت و استفاده از نظریه‌های ظنی در تفسیر علمی قرآن صحیح نیست، چرا که نظریه‌های ظنی علوم قابل تغییر است، پس نمی‌توان تفسیر قرآن را بر آن‌ها بنا نهاد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳): انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، چاپ دوم.

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶): «الأمالی»، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۲. ابن حنبل، احمد (بی‌تا): «مسند الامام احمد بن حنبل»، بیروت: دارصادر، بی‌جا.
۳. ابن شاذان الأزدی فضل (بی‌تا): «الایضاح»، تحقیق: سید جلال‌الدین حسینی الأرموی المحدث، بی‌جا: بی‌نا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بیروت: دارصادر، چاپ سوم.
۵. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰): «تفسیرالتحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
۶. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴): «شرح نهج‌البلاغه لابن‌ابی‌الحدید»، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۷. ابو‌حجر، احمد عمر (۱۴۱۱): «التفسیر العلمی فی المیزان»، بیروت: دارالکتبیه.
۸. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱): «تهذیب اللغه»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌جا.
۹. الذهبی، محمد حسینی (بی‌تا): «التفسیر و المفسرون (للذهبی)»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. یاززی، سید محمد علی (۱۳۸۰): «جامعیت قرآن»، رشت: کتاب مبین.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱): «صحیح البخاری»، بیروت: دارالفکر، بی‌جا.
۱۲. بازرگان، مهدی (۱۳۷۴): «آخرت و خدا، هدف از بعثت انبیاء»، مجله کیان، ش ۲۸.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶/الف): «شریعت در آیین معرفت»، محقق: حجت الاسلام حمید پارسا، قم: اسراء، چاپ پنجم.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش): «سرچشمه اندیشه»، محقق عباس رحیمیان، نشر اسراء، قم، چاپ پنجم.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹): «تفسیر تسنیم»، تحقیق: حیدرعلی ایوبی و ولی‌الله عیسی‌زاده، قم: نشر اسراء، چاپ سوم، جلد چهل و پنجم.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲): «تفسیر تسنیم»، تحقیق: حیدرعلی ایوبی و ولی‌الله عیسی‌زاده، قم: نشر اسراء، چاپ اول، جلد سی.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش/الف): «قرآن در قرآن»، تحقیق: محمد محرابی، قم: نشر اسراء، چاپ هشتم.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «تفسیر تسنیم»، محقق: علی اسلامی، قم: نشر اسراء، چاپ هشتم، جلد اول.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱ش): «تفسیر تسنیم»، تحقیق: روح‌الله زرقی، حیدرعلی ایوبی و ولی‌الله عیسی‌زاده، قم: نشر اسراء، چاپ اول، جلد بیست و ششم.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش): «تفسیر تسنیم»، تحقیق: علی اسلامی، قم: نشر اسراء، چاپ اول، جلد بیست و پنجم.
۲۱. حاجی، مهریزان؛ حمزه و مهدی (۱۳۹۱): «قلمرو جامعیت قرآن در پرتو آرای مفسران»، مجله پژوهش‌های اعتقادی و کلامی، ش ۵، صص ۹۳-۱۲۶.
۲۲. حائری، مهدی (بی‌تا): «حکمت و حکومت»، بی‌نا.
۲۳. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱): «التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول»، بیروت: دارالغرب الإسلامی، چاپ اول.
۲۴. راغب‌اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲): «معجم مفردات الفاظ قرآن»، بی‌جا، دارالکتاب العربی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۵. رضایی‌اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷): «اعجاز علمی و تفسیر علمی قرآن، معرفت قرآنی (یادنگار آیت‌الله محمد هادی معرفت)»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات.
۲۶. رضایی‌اصفهانی، محمد علی (بی‌تا): «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن»، بی‌جا، اسوه.
۲۷. زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد (۱۴۱۴): «تاج العروس»، محقق/صحیح: شبیری، علی، بیروت: دار الفکر.
۲۸. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۴۱۷): «البرهان فی علوم القرآن»، قاهره: دار الکتب العربیه.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه

- التأویل»، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۳۰. سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۸): «فربه‌تر از ایدئولوژی»، تهران: موسسه فرهنگی صراط، چاپ دهم.
۳۱. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱): «الإتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم.
۳۲. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶): «تفسیر الجلالین»، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۳۳. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲): «میان‌ی و روش‌های تفسیری (شاکر)»، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۴. شاطبی، ابواسحاق (بی‌تا): «الموافقات فی اصول الشریعه»، بی‌جا: دارالمعرفه، بی‌چاپ.
۳۵. شبستری، محمد مجتهد (۱۳۷۹): «نقد قرائت رسمی از دین»، تهران: طرح نو، چاپ چهارم.
۳۶. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۷. طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۶۱): «قرآن در اسلام»، قم: بوستان کتاب قم.
۳۸. طوسی محمد بن حسن (بی‌تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۹. الغزالی، ابوحامد محمد (۱۴۰۹): «جواهر القرآن و درره»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰): «کتاب العین»، قم: انتشارات هجرت.
۴۱. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰): «مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳): «تفسیر القمی»، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتب، چاپ سوم.
۴۳. کریم‌پور قراملکی، علی (۱۳۸۲): «قلمرو قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۵ و ۳۶، صص ۲۷۴ - ۲۹۵.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹): «الکافی»، قم: دارالحديث.
۴۵. کیخواجه نژاد، حسین و حسین خاکپور (۱۳۹۳): «جامعیت قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی‌آملی در نگاه تطبیقی»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، <https://www.civilica.com/Paper-ICCRT-1.html>.
۴۶. کیخواجه نژاد، حسین (۱۳۹۹): «نگاه تطبیقی برجامعیت قرآن از دیدگاه شهید مطهری و آیت‌الله جوادی»، مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، شماره اول، صص ۱ - ۱۳.
۴۷. مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا): «تفسیر المراغی»، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴): «قرآن شناسی»، محقق: محمود رجیبی، قم: موسسه انتشارات امام خمینی.
۴۹. معرفت، محمدهادی و میرمحمدی، سیدابوالفضل (۱۳۸۷): «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الاهی و بشری»، گردآورنده: نصیری، علی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مجله: نامه مفید، شماره ۶.
۵۰. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹): «تفسیر و مفسران»، محقق: گروه مترجمان، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۵۱. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱): «علوم قرآنی»، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۵۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸): «التمهید فی علوم القرآن (ویرایش جدید)»، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۵۳. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸): «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب»، مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۵. سایت اسراء www.esra.ir؛ تقریرات درس خارج تفسیر.

References

The Holy Quran, translated by Ayatollah Nasser Makarem Shirazi (1373): Publications of the Department of Islamic History and Studies, Qom, second edition.

1. Ibn Babavayh (Sheikh Sadouq), Muhammad bin Ali (1376): "Amali", Tehran: Katabchi, 6th edition.
2. Ibn Hanbal, Ahmad (Bita): "Musnad al-Imam Ahmad Ibn Hanbal", Beirut: Dar Sader, Bicha.
3. Ibn Shazan al-Azdi Fazl (Bita): "Al-Aydah", research: Seyyed Jalaluddin Hosseini al-Armowi al-Muhadith, bija: bina.
4. Ibn-Manzoor, Muhammad-bin-Mukaram (1414): ", Lasan-al-Arab", Beirut: Dar Sader, 3rd edition.
5. Ibn Ashour, Muhammad Tahir (1420): "Tafsir al-Tahrir and al-Tanweer known as Ibn Ashour's Commentary", Beirut: Al-Tarikh al-Arabi Foundation, first edition.
6. Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid bin Hebaullah (1404): "Sharh Nahj al-Balaghah of Ibn Abi al-Hadid", scholar Muhammad Abolfazl Ibrahim, Qom: Ayatollah Marashi Najafi School, first edition.
7. Abu Hajr, Ahmad Umar (1411): " al-Tafsir al-Alami in al-Mizan", Beirut: Dar al-Qatibah.
8. Azhari, Muhammad bin Ahmad (1421): "Tahzib al-Lagheh", Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Bicha.
9. Al-Zhahabi, Mohammad Hossein (Bita): "Al-Tafsir wa Al-Mufsarun (Lal-Zahhabi)", Beirut: Darahiya al-Trath-al-Arabi.
10. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (2010): "Comprehensiveness of the Qur'an", Rasht: Kitab Mobin.
11. Bukhari, Muhammad bin Ismail (1401): "Sahih al-Bukhari", Beirut: Dar al-Fikr, Bicha.
12. Bazargan, Mahdi (1374): "The Hereafter and God, the Purpose of Prophets", Kian Magazine, No. 28.
13. Javadi Amoli, Abdullah (1386/A): "Sharia in the mirror of knowledge", researcher: Hojat al-Islam Hamid Parsania, Qom: Isra'a, fifth edition.
14. Javadi Amoli, Abdullah (1386): "The Source of Thought", Abbas Rahimian, Isra Publishing House, Qom, 5th edition.
15. Javadi Amoli, Abdullah (2019): "Tafseer Tasnim", research: Heydar Ali Ayubi and Waliullah Isasazadeh, Qom: Esra Publishing House, 3rd edition, 45th volume.
16. Javadi Amoli, Abdullah (2012): "Tafsir tsanim", research: Heydar Ali Ayubi and Waliullah Isasazadeh, Qom: Esra Publishing House, first edition, volume 3.
17. Javadi Amoli, Abdullah (1388/A): "The Qur'an in the Qur'an", Research: Mohammad Mehrabi, Qom: Isra Publishing House, 8th edition.
18. Javadi Amoli, Abdullah (1388): "Tafsir Tasnim", scholar: Ali Eslami, Qom: Isra'a Publishing House, eighth edition, first volume.
19. Javadi Amoli, Abdullah (1391): "Tafsir Tasnim", Research: Ruhollah Rizki, Heydar Ali Ayoubi and Waliullah Isasazadeh, Qom: Esra Publishing House, first edition, volume twenty-six.
20. Javadi Amoli, Abdullah (1390): "Tafseer Tasnim", Research: Ali Eslami, Qom: Isra'a Publishing House, first edition, twenty-fifth volume.
21. Haji, Mehrihan; Hamzah and Mehdi (2013): " The Scope of the Qur'an's Comprehensiveness in the Light of Commentators", Journal of Belief and Theological Research, Vol. 5, pp. 126-93.
22. Haeri, Mehdi (Bita): "Wisdom and Government", BiNa.
23. Daruzeh, Muhammad Azzah (1421): "Al-Tafsir al-Hadith in the order of Surah Al-Hasab Al-Nuzul", Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, first edition.
24. Ragheb-Esfahani, Abul-Qasim Hossein bin Muhammad (1412): " Al-Qur'an Vocabulary", Bija, Darul-Katab-Al-Arabi, Ismailian Press Institute.
25. Rezaei-Esfahani, Mohammad Ali (2008): "Scientific Miracles and Scientific Interpretation of the Qur'an, Qur'anic Knowledge (Memorial of Ayatollah Mohammad Hadi Marfat)", Tehran Research Institute of Islamic Culture and Thought, Publishing Organization.
26. Zubaydi, Morteza, Muhammad bin Muhammad (1414): "Taj al-Arus", researcher/corrector: Shiri, Ali, Beirut: Dar al-Fakr.

27. Zarakshi, Badr al-Din Muhammad bin Abdullah (1417): "Al-Burhan in the Sciences of the Qur'an", Cairo: Dar al-Kutub al-Arabiya.
28. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar (1407): "Al-Kashf on the facts of the mystery of revelation and the eyes of the legends in the interpretations", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 3rd edition.
29. Soroush, Abdul Karim, (2008): "Farbeher than Ideology", Tehran: Sarat Cultural Institute, 10th edition.
30. Siyuti, Jalal al-Din (1421): ", Al-Itqan in the Sciences of the Qur'an, Dar al-Kitab al-Arabi", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, second edition.
31. And Maholi Jalal al-Din(1416): "Tafsir al-Jalalin", Beirut: Al-Noor Publishing House.
32. Shaker, Mohammad Kazem (1382): "Fundamentals and methods of interpretation (Shaker)", Qom: World Center of Islamic Sciences.
33. Shatabi, Abu Ishaq (Bita): " Al-Mawafafat fi Usul al-Sharia", Bija: Daral-Marifa, Bicha.
34. Shabestri, Mohammad Mojtahed (1379): "Criticism of the official reading of religion", Tehran: New Design, 4th edition.
35. Seyyed Mohammad Hossein Tabatabayi (1417): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society, fifth edition.
36. Seyyed Mohammad Hossein Tabatabayi (1361): "Qur'an in Islam", Qom: Qom Book Park.
37. Tusi Mohammad Bin Hasan (Bita): "Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi.
38. Al-Ghazali, Abu Hamid Muhammad (1409): "Jawahir al-Qur'an and Darrah", Beirut: Dar al-Kitab-al-Alamiya.
39. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1410): "Kitab al-Ain", Qom: Hijrat Publications.
40. Fakh al-Din Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar (1420): "Mufatih al-Ghaib, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi."
41. Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1363): "Tafseer al-Qomi", Research: Tayyab Mousavi Jazayeri, Qom: Daral-e-Kitab, 3rd edition.
42. Karimpour Qaramalki, Ali (2012): "The Realm of the Qur'an", Journal of Qur'anic Research, Vol. 35 and 36, pp. 274-295.
43. Kalini, Muhammad bin Yaqoob (1429): "Al-Kafi", Qom: Dar al-Hadith.
44. Kikhahnejad, Hossein and Hossein Khakpour (2013): " The comprehensiveness of the Qur'an from the point of view of Allameh Tabatabai and Ayatollah Javadi Amoli in a comparative view", International Congress of Culture and Religious Thought, Qom: Cultural Engineering Steering Center of Bushehr Province Public Culture Council, https://www.civilica.com/Paper-ICCRT01-ICCRT01_0482.html.
45. Kikhahnejad, Hossein (2014): " A comparative view on the comprehensiveness of the Qur'an from the point of view of Martyr Motahari and Ayatollah Javadi", Journal of Literature, Mysticism and Philosophy Studies, No. 1, pp. 1-13.
46. Maraghi, Ahmed bin Mustafa (Baita): "Tafsir al-Maraghi", Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi.
47. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (1384): " Quran Studies ", Researcher: Mahmoud Rajabi, Qom: Imam Khomeini Publications Institute.
48. Marfat, Mohammad Hadi and Mirmohammadi, Seyyed Abulfazl (2008): " The comprehensiveness of the Holy Quran in relation to divine and human sciences and knowledge", compiled by: Naseeri, Ali, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought, Magazine: Useful Name, Number 6.
49. Marafet, Mohammad Hadi (1379): " Tafsir va Mafseran", Researcher: Translators' Group, Qom: Talmohid Publishing Cultural Institute.
50. (1381): "Qur'anic Sciences", Qom: Talmahid Publishing Cultural Institute.
51. (1388): " Al-Taimhid al-Qur'an (New Edition)", Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute.
52. (1418): "Al-Tafsir va Al-Mufsarun in Thawba Al-Qashib", Mashhad: Al-Razwiyyah University for Islamic Sciences.
53. Makarem Shirazi, Nasser and a group of authors (1374): " Tafsir al-Nashon", Tehran: Dar al-Katb -Islamiyeh.
54. Isra's website www.esra.ir; Lectures outside interpretation.